



LIDA Stories

lidastories.net

ایستاد شدن به دلیل درست

out for the right reason

LIDA Portugal

Sunniva Høiby-Øiset

Shir Ahmad Laiwal (prs)



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



reason

Standing out for the right

ایستاد شدن به دلیل درست

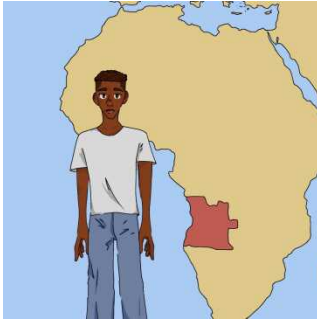
LIDA Portugal

Sunniva Høiby-Øiset

Shir Ahmad Laiwal

4

دري / English / en



ادسن در انگولا متولد شد، بعد از آزاد شدن کشور اینتن. او یک بچه ای بلند قد بود. او بخاطر قد بلند اش بیرون ایستد شد. مردم که به کودکان توفنگ می دادند به طور نیروه امنیتی بجنگند، اینطور بچه ه را نیز داشتند.

...

Edson was born in Angola, just after the country became independent. He was a very tall boy. Because of his height he stood out. The people who were giving weapons to children to fight as soldiers in the civil war wanted boys like him.



حالا که او بزرگ شده است، ایدسن کودکان مهاجر را در مورد خطرات استخراج از جمعه تعلیم می دهد. یک بزرگ قد بلند او خودش را در خطر انداخته در سن کوچک عسکر شود. حالا قد بلند او به او قوت می بخشد بزرگان کمک کننده محفوظ باشند.

...

Now that he is an adult, Edson trains refugee children and others at risk of being excluded from society. Once, his height put him in danger of becoming a child soldier. Now, his height gives him strength to help others feel safe.



یک روز یک اسکلر ایشی میوجه شد که او در فیزی بسکتبال بسکتور جوب
در او بسکتور کوهنسی قوفت. او در
مکتوب بسکتور مشهور شد و رفیقین پیدا کرد. او همشکل بسکتور
بشد. نفس ایشی

...

One day a teacher noticed how good he was at
basketball. He joined a basketball team and was
very successful. He became popular at school
and made friends. He also became more
confident.



او بسکتور تیر سیده بود که آنکه بجه ایشی را جواه برود، بیزر این او
بجه ایشی را به پرتگالی روان کرد در آنجه به جاله ایشی
بندگی کند. او فکر کرد که بجه ایشی در آنجه در اهر بدهند
...

His mother was afraid they would take him, so
she decided to send him to live in Portugal with
an aunt. She thought he would be safe there.



شروع کردن بسپیر برایش سخت بود، چرا که ایدسن از هوای معتدل، غذا هی محلی و مهم تر ان، آغوش گرفتن و بوسه کردن هدرش را از دست داد.

...

It was very difficult to begin with, as Edson missed the warm weather, the traditional food and, most of all, his mother's hugs and kisses.



او به زبِن پرتغلی خوب صحبت کرده نمی توانست و مشکل بود که او درس هی خود را تعقیب کند و همصنهن اش به طور صحیح محوره کند. او پریلن شد که لای این نظریه پرتگل آمدن خوب بود.

...

He did not speak Portuguese well and found it very hard to follow his classes and the conversations of his classmates. He wondered if it was a good idea to come to Portugal after all.